

از آن خبرهایی که ما مردم سر در نمی‌آوریم

مدیر گروه انرژی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: بخشی از نیروگاه‌های کشور خصوصی و شبه‌خصوصی و بخشی دولتی هستند و تقریباً نیمی از برق کشور را نیروگاه‌های خصوصی یا شبه‌خصوصی تولید می‌کند. تعرفه‌گذاری برق تولیدی نیروگاه‌های غیردولتی به این صورت است که در کنار قیمت تکلیفی به نیروگاه‌های غیردولتی، مابه‌التفاوت نرخ تکلیفی و واقعی هم به آنها پرداخت می‌شود. طی حدود سه سال اخیر این اتفاق رخ نداده و مابه‌التفاوت نرخ تعرفه برق دولتی و قیمت تمام شده تولید برق به نیروگاه‌ها واریز نشده که سبب انباشت بدهی وزارت نیرو و دولت به نیروگاه‌ها شده است.

بی‌برقی اگر از سر جنگ و بحران باشد، راهش را به ادبیات هم باز می‌کند

ای برق ما را یادت رفته



اسماء خواجه‌پور
مترجم و نویسنده‌ای
که وقتی برق می‌رود
به مردم جنگ‌زده فکر
می‌کند

ممکن است برای بعضی از ما تنها استفاده برق، کولر و شارژ موبایل و روشن بودن کامپیوتر باشد که آن را هم اگر بتوانیم با موبایل راه بیندازیم! باسحاوت تمام ندیده‌اش می‌گیریم! برای همین جدول زمان قطع برق را جلیویمان می‌گذاریم تا گوشی‌مان را زنده نگه‌داریم و لااقل در تاریکی یک بازی‌ای انجام بدهیم.

برای ما شاید این قصه که برق ما را بادش برود یا نرود تا همین‌جا اهمیت داشته باشد اما برای آدم‌هایی که با ما در این جغرافیا زندگی می‌کنند، مثنوی هفتاد من کاغذ است، آن قدر که می‌توانی بگویی خون داخل رگ‌هایشان هم با برق‌کار می‌کند. ممکن است بگویید دو ساعت قطعی برق که این حرف‌ها را ندارد اما مسأله دقیقاً همین‌جاست، دو ساعت نیست! هشت ساعت است، یک روزها و دو روزهایی است که چند قرن طول می‌کشد. نه روشنایی در کار است نه وسایل گرمایشی و سرمایشی و نه امکان شارژ دستگاه که لااقل آدم یک بازی‌ای انجام بدهد.

دوستم می‌گوید بی‌برقی در عراق برمی‌گردد به سال ۲۰۰۳ و حوالی همان سال‌ها که آمریکا تازه به آنجا حمله کرده بود و هنوز پای ژنراتورها با آن هزینه بالا به خانه‌ها و جاهای دیگر باز نشده بود، برق ۵۳ ساعت می‌رفته و یک ساعت می‌آمده. فکر می‌کنم برق با این حرکتش بیشتر از این‌که بخواده فراموش کند تصمیم داشته زهرچشم بگیرد. درهرحال دوست من هم خانه‌شان کنار پادگان آمریکایی‌ها بوده و هم خمپاره‌اندازهای جیش المهدی همان‌جا مستقرشده بود. فکر کن تابتستان باشد. برق نباشد. امتحان پایان‌ترم داشته باشی. خانه مدام بر اثر شلیک و صداهای مهیب بلرز و تنها شیشه فانوست هم بشکنند. شما باشید چه می‌کنید؟ دوست من که مصداق

کامل «به توکل نام اعظمت» است، گفته: «ما اگر امروز با این خمپاره‌ها نمیریم فردا حتماً می‌میریم!» بعد هم کتاب و دفترش را بسته و بدون خواندن رفته سر جلسه امتحان. یا وضعیت در حدی پیش رفته که مثلاً از یک نفر می‌پرسند: «مذهبت چیه؟» و او جواب می‌دهد: «بستگی داره برق باشه یا نباشه». یعنی می‌خواهم بگویم بودن و نبودن برق حتی روی دین و ایمان آدم هم این قدر تأثیر دارد. یا در ویدئویی مرد عراقی مستأصل داخل حیاط نشسته و بچه‌هایش را ردیف جلو نشانده و شیلنگ آب را بازکرده بود و به‌نوبت روی سر بچه‌ها و خودش آب می‌ریخت که تا جایی که می‌تواند روی گرما را کم کند.

یا پدر دیگری که از شدت نگرانی برای بچه‌هایش رفته بود و تمام مواد غذایی داخل یخچال را خالی کرده بود، بعد بچه‌ها را داخل یخچال گذاشته بود تا برای چند دقیقه هم که شده خنک شوند.

از یک طرف هم در این اوضاع که همه‌چیز تعطیل می‌شود و کار و درس و اینترنت و موبایلی در کار نیست، بعضی مردم دوباره به شیوه‌های زندگی قدیم برگشته‌اند. مثلاً دختری می‌گفت: وقتی شارژ همه چیز تمام می‌شود خواب بهترین راه حل است. من خودم که ساعت‌ها می‌خواهم هیچ! مطمئنم خیلی از دوستانم هم مثل خودم هستند. ما آلارم را روی ساعتی که طبق جدول قرار است برق بیاید تنظیم می‌کنیم. آمد که آمد. نیامد بازهم می‌خواهیم! البته این قانون برای زمستان‌هاست! تابستان را می‌رویم بیرون. مثلاً همه‌مان در خانه دوستی آوار می‌شویم که طبق سهمیه‌بندی برق دارد! یا می‌رویم کافه.

تازه سشوار و همه وسایلی که با آن موهایمان را درست می‌کردیم را هم گذاشته‌ایم کنار و برگشته‌ایم به دوره استفاده از ژل مو! خوشبختانه الان موی فردار و معجد مد است و به‌هم‌ریخته بودنش هم اصلاً عجیب نیست! بیشتر لباس‌زمستانه‌ها هم که اتو نمی‌خواهد. خوب است دیگر، خواهرم هم با درست‌کردن

نور و روشنایی، فناوری‌های فضایی و در رفع نیازمندیهای الکترونیکی، مخابراتی، میکرونیکی و الکترواپتیکی کشور مشغول فعالیتیم، شروع کار ما با تولید محصولی برای مصارف الکترونیکی بود که به سختی از خارج کشور وارد می‌شد. بعدها در حوزه فضایی به تولید حسگرهای خورشیدی و شبیه‌ساز خورشید پرداختیم. تمام

ماهواره‌سازهای داخلی حسگرهای خورشیدی و شبیه‌ساز خورشیدی را تنها از موسسه ما دریافت می‌کنند که ما به این مسأله افتخار می‌کنیم. اکنون به طور جدی تر و علاوه بر حوزه های قبلی وارد صنعت نور و روشنایی شده ایم. برای مثال مجموعه چراغ‌های ددولایت که واردات آن با مشکل مواجه است از اصلی‌ترین تولیدات ماست. این چراغ در استودیوهای سینمایی و تلویزیونی و بسیاری دیگر از اماکن و رشته‌ها قابل استفاده است. از طرف دیگر محصولات نیز برای چراغ های خیابانی ساخته شده است؛ مانند بالا است ۷۰ وات که موجب صرفه جویی مصرف برق تا حدود ۳۰ درصد می‌شود.»

مدیر بازرگانی شرکت

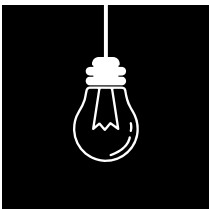


ماسک و این‌چور چیزها خودش را سرگرم می‌کند و من و مادرم مدل آزمایشی‌اش هستیم. خوبی‌اش هم این است که حالا سرعش در مخلوط کردن، از سرعت مخلوط‌کن هم بیشتر شده! ولی آن روی سکه تصاویر دیگری هم دارد. مرد میانسال لبنانی که آسم دارد و برق‌شان رفته، موقع اذان صبح دستگاه‌به‌دست به مسجد می‌رود تا بتواند از برق ژنراتور مسجد استفاده کند و به ریه‌هایش اکسیژن برساند و به خاطر او بعد از نماز می‌گذارند ژنراتور همچنان روشن بماند. یا تصویر اتاق عملی که دکترها زیر روشنایی فلش دوربین جراحی می‌کنند. یا مادری که بچه‌هایش را به پارک می‌آورد و می‌گوید: «لااقل آنجا یک نسیمی می‌وزد اما داخل خانه خفه می‌شویم.»

در این جغرافیا، برق گاهی هم ابزار جنگ است! داعش می‌آید و اعلامیه می‌دهد که از اول تا آخر ماه رمضان برق قطع است. چرا؟ چون در زمان رسول خدا و صحابه برق نبوده است. یا مثلاً در درعا برق را قطع می‌کردند تا مرمن نتوانند علیه او کاری انجام دهند.

با اسرائیل در غزه هر وقت بخواهد محاصره را تنگ‌تر کند برق را قطع می‌کند. مردم ژنراتور دیزلی روشن می‌کنند تا کارشان راه بیفتد اما آنها هم با سروصدا یا دود سلامت مردم را می‌گیرند. در اردوگاه‌ها برای مردم جدول زمان‌بندی قطع برق درست می‌کنند اما نه تنها برق در ساعات جدولی می‌رود بلکه در ساعات غیرجدولی هم قطع می‌شود و گاهی برق تا دو روز بعد هم پادش می‌رود برگردد!

جدول برق برای بعضی‌ها جدول تنظیم سرگرمی است و برای آدم‌های دیگری در این جغرافیا تنظیم زندگی! شاید برای همین «اسلام ایوب» هنرمند فلسطینی برای بیان رنج مردم گفته است: «یا کهریا نسیبتینا، زمان ما جیتیتا!» «ای برق ما رو پادت رفته، خلی وفته به ما سر نزدی»



بچه‌های جنگ تعریف دیگری از قطع برق دارند

آن شب که برق رفت

یادم است فقط یک‌بار آنها ما را دیدند و از رفتارمان تعجب کردند. شب بود و نشسته بودیم پای تلویزیون که برق قطع شد. برادرم در چشم برهم‌زدنی رادیو که با باتری کار می‌کرد را روشن کرد... «صدایی که می‌شنوید آژیر قرمز است و معنا و مفهومش این است که به پناهگاه بروید...». مادرم دوید و پشت دری‌ها را کشفید. همه جا تاریک بود و آژیر پخش می‌شد اما از کوچه صدا می‌آمد، کوچه شلوغ بود. برادرم رفت سمت در حیاط. من هم رفتم. صدای مادرم را که می‌گفت: کجا؟ الان حمله می‌کنند... را نشنیده گرفتیم و رفتیم توی کوچه. همه خوزستانی‌های مقیم محله ما توی کوچه بودند. بلند بلند صحبت می‌کردند با آن لهجه‌ای که بیشتر به عربی می‌خورد. شگفت‌زده شده بودند که چرا باید برق نیشابور قطع شود؟ جنگ با این شهر فاصله زیادی داشت. هواپیماهای عراقی حتی اگر دورخیز می‌کردند به‌صرفه نبود که به آسمان نیشابور برسند. این شهر که اصلاً پناهگاه نداشت. دلپهره بمباران را چرا قطع کرده‌اند؟ تاریکی برای در پناه ماندن از جنگ به هیبت و جغرافیای نیشابور نمی‌آید. آنها را با اتوبوس، مینی‌بوس و وانت به نیشابور رسانده‌اند تا از جنگ درمان باشند، به آنها گفته‌اند، نیشابور یکی از ایمن‌ترین شهرهاست و صدام اصلاً نمی‌داند چنین شهر خوش آب‌وهوایی روی نقشه ایران است

برای همین جنگ عراق به نیشابور نخواهد رسید. پس چرا برق را قطع کرده‌اند و خاموشی شده و دلپهره بمباران را در دل آنها زنده کرده‌اند. همه جا تاریک بود. رادیو می‌گفت وضعیت سفید شده و می‌توانیم از پناهگاه خارج شویم اما همه مردم محله و جنگ‌زده‌ها از همان اول وضعیت قرمز توی کوچه‌های بودند. ما نیشابوری‌ها نه تنها جغرافیای‌مان ضعیف بود که از وضعیت سفید و قرمز و آژیرهایش زیاد سر در نمی‌آوردیم. برق آمد و ما تا سحر در کوچه ماندیم و بچه‌ها بازی کردند و مردان نیشابوری در کنار مردان جنگ‌زده خوزستانی سیگار کشیدند و زن‌های جنوبی با قلیان‌های نیشابوری کام گرفتند... خاک نیشابور را یک‌بار مغول‌ها به توبره کشیده و کاملاً نابودش کرده بودند. نیشابور بعد از آن دیگر دلش هیچ جنگی را نمی‌خواست. ما در کنار جنگ‌زده‌ها زندگی کردیم و برق دیگر قطع نشد و آژیرها تا پایان جنگ به نیشابور نرسید.

این‌که می‌گویند درس جغرافی یکی از بی‌خاصیت‌ترین درس‌های مدرسه است را باید جدی گرفت. منظورم بی‌خاصیتی‌اش است. راستش را بخواهید زمانی که من درس می‌خواندم جغرافی یکی از سخت‌ترین درس‌ها بود و الان به جدیت می‌گویم بخشی از استرسی که در من نهاده شده برای همین درس و امتحاناتش و پرسش‌های کلاسی جغرافی بود. اگر این درس «بی‌خاصیت» نبود که من یا برادر بزرگ‌ترم و بقیه دوستانم باید می‌دانستیم شهرهایی مانند سوسنگرد متعلق به ایران است. نه این‌که جنگ شروع شود و مردم از خوزستان گریخته به نیشابور پناه بیاورند و ما در مدرسه مات و مبهوت نگاه‌شان کنیم و از دخترکان هم‌سن و سال خودمان بپرسیم شما اهل کجاییید و آنها بگویند، مثلاً دزفول و سوسنگرد و من بگویم این شهرها کجاست و باقی قضایا...

نیشابور پر شده بود از جنگ‌زده‌هایی که از خوزستان آمده بودند و هنوز در اردوگاه ساکن نشده بودند. برخی از اهالی محل اتاق‌های خالی‌شان را به آنها داده بودند تا فعلاً زندگی کنند. برای ما که جغرافیای‌مان خیلی بد بود جنگ‌زده‌ها عجیب‌ترین آدم‌هایی بودند که تا آن زمان دیده بودیم. سبک زندگی‌شان کلاً با ما فرق داشت و رنگ پوست‌شان و لهجه‌شان. جنگ شده بود و مرزهای شهرها را به‌هم ریخته بود و آدم‌هایی از جنوب ایران آمده بودند به شمال شرق. راه درازی آمده بودند. آن زمان درک نمی‌کردم چه بر آنها گذشته و راستش اصلاً حالی‌ام نبود چرا مدام گریه می‌کنند و دور هم می‌نشینند و بر سر و روی می‌زنند و گاهی کل می‌کشند. سبک زندگی‌شان کلاً با ما نیشابوری‌ها فرق داشت و عجیب‌تر از همه پوشش‌شان بود. سیاهپوش بودند و می‌نارهای سیاه دور سرشان گره می‌زدند حتی در گرمای بیابانی نیشابور. اما آنها انگار ما را نمی‌دیدند و اصلاً برایشان مهم نبود ما چگونه زندگی می‌کنیم. آن زمان درک نمی‌کردم که چرا ما را نمی‌بینند اما الان می‌فهمم‌شان.

شرکت دانش بنیان «حجت فناور پژوه» در حوزه تحقیق، توسعه، بومی سازی و تجاری سازی سامانه‌های نرم افزاری و سخت افزاری متداول و به‌روز الکترونیک در صنایع مختلف مشغول فعالیت است

رفع نیاز صنایع کشور به فناوری‌های روز با ما!

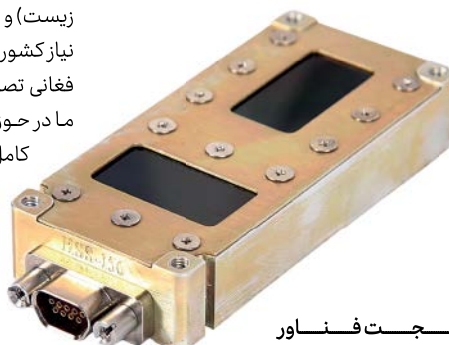


تصریح می‌کند: «درست است که از نظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اتفاقات مثبتی افتاده است اما در صورت اجرانشدن، وضع این قوانین فایده‌ای نخواهند داشت. برای مثال برخی سازمان‌های در زمینه‌های تولیدی شرکت ما نیاز خود را از شرکت‌های خارجی تامین می‌کنند در حالی که محصولات ما با کیفیت قابل قبول و با قیمت بسیار مناسب‌تر در دسترس است. در زمینه توجه عملی به قوانین و سیاست‌های موجود در رابطه با استفاده از تولیدات داخلی هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد و تعامل با سازمانها در راستای تامین نیازمندی‌های ایشان از محل تولیدات داخلی یکی از معضلات کنونی است.»

زیست) و بسیاری از محصولات الکترونیکی مورد نیاز کشور در دستور کار شرکت قرار دارد.»
فغانی تصریح می‌کند: «یکی از مهمترین اهداف ما در حوزه نور و روشنایی این است که سبد کامل محصولات نور و روشنایی با کیفیت بسیار بالا در داخل تولید شود و در اختیار سازمان‌ها و مشتریان قرار بگیرد و همچنین تمام نیازمندی‌های صنعت فضایی بدست متخصصان داخلی تامین گردد و بطور کلی در حوزه های تخصصی شرکت حجت فناور پروژه نیازمندی کلیدی به خارج از کشور وجود نداشته باشد.»

تبعیت نکردن از قوانین، چالش تولید داخلی

مدیر بازرگانی موسسه دانش بنیان «حجت فناور پژوه» در پایان با انتقاد از سیاست‌گذاری‌هایی که به عمل در نمی‌آیند و تنها به شکل قانون روی کاغذ باقی‌می‌مانند،



«حجت فناور پژوه» می‌افزاید: «اکنون فعالیت

ما بیشتر در زمینه های چراغ‌های با کاربرد خاص و فناوری‌های فضایی است البته همچنان اگر در زمینه مورد تخصص شرکت نیازمندی ویژه‌ای در کشور وجود داشته باشد خود رامتعهد به تلاش در جهت رفع آن می‌دانیم. در این راستا این گروه تاکنون موفق شده است، ۱۰ مدل نور سینمایی، استودیویی و تصویربرداری مانند Led panel، انواع چراغ‌های ال‌ئی‌دی جهت استفاده در نورپردازی، تصویربرداری و عکاسی تولید کند و به مرحله تجاری سازی برساند. همچنین طراحی و تولید حسگرهای فضایی و شبیه‌ساز خورشید و دستگاه سنجش اکسیژن خون، ۷۴٪ تستر، دستگاه سنجنده (مورد استفاده در حوزه محیط

بی‌رقیب در تولید حسگر و شبیه‌ساز خورشیدی

فغانی در ادامه ضمن یادآوری این نکته که برخی قطعات به جهت اهمیتی که برای صنایع و سازمان‌ها دارند و نیز با درنظرگرفتن تحریم‌ها، مشکلات فراوان واردات و قیمت‌های بسیار بالا از اولویت‌های کشور برای تولید داخلی هستند به شرح مزایای رقابتی محصولات تولیدی این شرکت دانش بنیان می‌پردازد و می‌گوید: «خوشبختانه در رابطه با محصولات فضایی ما در کشور رقیبی نداریم و در دیگر موارد نیز به لحاظ مؤلفه‌های عملکردی نسبت به تولیدکنندگان دیگر امتیازاتی داریم. از نظر قیمت نیز استفاده از قطعات ما در مقایسه با نمونه‌های خارجی بسیار به صرفه‌تر تمام می‌شود. برای مثال در بحث فناوری فضایی ۵۰ درصد زیر قیمت شرکت‌های خارجی و در مورد نور و روشنایی بین نصف تا یک سوم قیمت ارزان‌تر از نمونه‌های خارجی محصول ارائه می‌دهیم. به‌علاوه این شرکت دارای خدمات مشاوره‌ای برای شرکت‌ها یا مؤسسات دیگر است تا از این طریق آنان را در تولید یک محصول یا بخشی از یک محصول همراهی کند.»



سید امیررضا فغانی، مدیر بازرگانی این مجموعه درباره ماجرای تشکیل این شرکت دانش بنیان به جام جم می‌گوید: «در سال ۸۷ و پس از فارغ‌التحصیلی سه نفر از متخصصان و استعدادهای برتر حوزه الکترونیک و مخابرات، تصمیم گرفتند در جهت خودکفایی کشور و تامین محصولاتی که واردات آنها با مشکلاتی از قبیل تحریم مواجه است دست به کار شوند. اصل کارشان این بود که سراغ سازمان‌های فعال در زمینه‌های مختلف می‌رفتند و از آنها راجع به نیازهایشان در مورد حوزه الکترونیک پرس و جو می‌کردند. سپس براساس موارد ذکرشده از سوی سازمان‌ها امکان تولید و روش تولید محصولات را بررسی می‌کردند.»

تولید انواع چراغ‌های سینمایی و استودیویی

فغانی در مورد انواع محصولات این موسسه دانش بنیان تصریح می‌کند: «ما به‌طور کلی در زمینه های high-tech و بصورت تخصصی در حوزه



راه‌های ارتباط با
«حجت فناور پژوه»

hojjatco.com

info@hojjatco.com

۰۲۱۷۷۱۴۱۶۲۴

تهران، تهرانپارس، خیابان اتحاد، کوچه شهید آبا‌ده (یکم غربی)، پلاک ۶۲